موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

پاسخ به اشکالات نویسنده کتاب مسیر پیامبری

اشکال: مصون نبودن قرآن از تحریف

نویسنده کتاب مسیر پیامبری معتقد است قرآن کریم مصون از تحریف نبوده و گفته است: « قرآن در زمان پیامبر اسلام تدوین و نهایی نشد. پیامبر، خود آیات را نمی نوشت، بلکه برای دیگران می خواند و افرادی به عنوان کاتب وحی، آیات را می نوشتند. درباره ی نگارش آیات مکی در مکه مدارک معتبری در دست نیست و ما نمی دانیم که چه مقدار از آیات مکی در مکه نگارش یافته و حفظ شده است. درباره ی نگارش آیات مدنی، تاریخ، بیشتر سخن گفته است. با توجه به ابتدایی بودن لوازم و ادوات نگارش در میان نخستین مسلمانان، عقیده ی نگارنده این است که نمی توان گفت که نگارش و جمع آوری آیات به طور کامل و خدشه ناپذیر صورت گرفته است؛ هرچند که تاریخ از سعی و اشتیاق وافر مسلمانان نسبت به نگارش، جمع آوری و حفظ آیات سخن رانده است. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که افراد باسواد در میان مسلمانان فراوان نبودند، به علاوه خط الرسم واحد نیز در میان آنان وجود نداشت. افزون بر اینها چنان که رامیار می گوید: نقطه گذاری، اعراب گذاری و نوشتن حروف عله (الف، واو، یاء ) تا مدت مدیدی مرسوم نبوده است (رامیار، 1366 ، 303 ). نسخه های معدود قرآن که در زمان عثمان تهیه شد نقطه و اعراب نداشتند و این خود اختلاف در خواندن را افزایش می داد. حافظان قرآن نیز نتوانستند اختلافات را برطرف کنند. گفته شده است که نقطه گذاری و اعراب گذاری در زمان حجاج ابن یوسف ابداع شد. روند اصلاح خط نیز اواخر قرن سوم ه.ق تکامل یافت (بل، 1381 ،81). مجموع شرایط موجب سختی کار تدوین قرآن می شد. از همین روست که اختلافات زیادی میان نسخه های کاتبان قرآن به وجود آمد و حافظان قرآن نیز نتوانستند به رفع کامل اختلافات کمک کنند.

آنچه به طور کلی درباره ی قرآن می توان گفت این است که بی تردید نسبت به تورات و انجیل از اصالت و اعتبار بیشتری برخوردار است؛ اما مسئله به میزان اعتبار قرآن ختم نمی شود، چرا که درباره ی درک و فهم آیات نیز اختلافات فراوانی به وجود آمد. روایات حاکی از آن است که حتی اصحاب پیامبر نیز پس از رحلت آن حضرت در فهم برخی آیات با یکدیگر اختلاف داشتند. این اختلافات به مرور زمان بیشتر و بیشتر شده است. ابهام آیات، علاقمندان به شناخت اسلام و به ویژه قوانین شریعت اسلامی را وادار ساخت به روایات مراجعه کنند. مراجعه به روایات، خود سرفصل تازهای از مناقشات بزرگ گشته است».[[1]](#footnote-1)

نقد و بررسی

درباره تدوین و نگارش قرآن کریم سه بحث را باید از هم جدا نمود: یکی نگارش قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) و دیگر جمع آوری قرآن بعد از رحلت آن حضرت و سوم یکی نمودن نسخه ها در زمان عثمان است.

نگارش و تدوین قرآن در زمان پیامبر (ص)

در مورد زمان پیامبر اکرم (ص)، این سوال مطرح است که آیا قرآن در آن زمان جمع آوری شده است یا نه؟ آیات الهی که نازل می شد توسط کاتبان وحی نوشته می شد. چیزی از آیاتی که نازل شده باقی نماند مگر اینکه همه آن را می نوشتند. کاتبان هم عده ای بودند که از جمله مهمترین آنها امیرالمومنین (ع) بودند. تعداد کاتبان مختلف نقل شده است و برخی تعداد آنها را بیست و چند نفر گفته اند. البته همه کاتبان در زمان آن حضرت کاتب مخصوص قرآن نبودند بلکه برخی از آنان مامور به نگارش قرآن و برخی مامور به نوشتن چیزهای دیگر بودند.

سوال: آیا در زمان پیامبر اکرم (ص) قرآن کریم به این نظم و ترتیب به گونه ای که در یک مصحف جمع شده باشد نوشته شد یا نه؟ در این باره دو دیدگاه وجود دارد. مشهور معتقد هستند که این تدوین در نسخه واحد بعد از آن حضرت انجام شده است.

همان طور که گفته شد برجسته ترین شخصیتی که وحی الهی را می نوشتند امیرالمومنین (ع) بودند. آن حضرت مامور بودند همه آنچه به پیامبر اکرم (ص) وحی می شود را نگارش کنند به گونه ای که اگر آن حضرت نبودند و مثلا شب هنگام وحی بر پیامبر نازل می شد، پیامبر اکرم (ص) ایشان را می خواستند و دستور به نگارش آن می دادند. بنابراین اگر هیچ کس نویسنده قرآن جز امیرالمومنین (ع) نبود کافی بود به اینکه معتقد باشیم هیچ چیزی از قرآن نیفتاده است، زیرا آن حضرت دارای مقام عصمت بودند. در این باره روایات فراوانی نیز بیان شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

1. در روایت آمده است که روش پیامبر چنین بود: «كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ نَهَاراً لَمْ يُمْسِ حَتَّى يُخْبِر بِهِ عَلِيّاً وَ إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ لَيْلًا لَمْ يُصْبِحْ حَتَّى يُخْبِرَ بِهِ عَلِيّا»[[2]](#footnote-2): روش پیامبر اکرم (ص) چنین بود که اگر در روز بر ایشان وحی می شود، شب نمی کردند مگر اینکه امیرالمومنین (ع) را صدا می کردند تا آنها را بنویسد و اگر در شب به ایشان وحی می شد، صبح نمی کردند تا اینکه آن حضرت آنها را نگارش کنند.

2. امیرالمومنین (ع) فرمود: «مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَنِيهَا وَ أَمْلَاهَا عَلَيَّ وَ كَتَبْتُهَا بِخَطِّي و عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا وَ نَاسِخَهَا وَ مَنْسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا وَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهْمَهَا وَ حِفْظَهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا عِلْماً أَمْلَاهُ عَلَيَّ فَكَتَبْتُهُ »[[3]](#footnote-3): هيچ آيه‏اى از قرآن بر رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم نازل نشد جز آنكه آن را بر من إقراء و املا فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و تأويل و تفسير و ناسخ و منسوخ و محكم و متشابه آن را به من آموخت و از خداى تعالى خواست كه فهم و حفظ آن را به من تعليم دهد و هيچ آيه‏اى از كتاب خدا را فراموش نكردم و هيچ علمى را كه بر من املا فرمود و من آن را نوشتم از ياد نبردم

3. اصبغ بن نباته از امیرالمومنین (ع) نقل کرده که فرمود: « فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ آيَةٍ لَأَخْبَرْتُكُمْ بِوَقْتِ نُزُولِهَا وَ فِيمَ نَزَلَتْ وَ أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاسِخِهَا مِنْ مَنْسُوخِهَا وَ خَاصِّهَا مِنْ عَامِّهَا وَ مُحْكَمِهَا مِنْ مُتَشَابِهِهَا وَ مَكِّيِّهَا مِنْ مَدَنِيِّهَا وَ اللَّهِ مَا مِنْ فِئَةٍ تَضِلُّ أَوْ تَهْدِي إِلَّا وَ أَنَا أَعْرِفُ قَائِدَهَا وَ سَائِقَهَا وَ نَاعِقَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة»[[4]](#footnote-4): سوگند بكسى كه دانه را ميشكافد و مردم را بهستى مى‏آورد اگر از يك يك آيات قرآن بپرسيد خواهم گفت در چه وقت و براى چه نازل شده و از ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محكم و متشابه و مكى و مدنى آنها خبر خواهم داد. بخدا سوگند هر عده كه تا فرداى قيامت هدايت شوند و هر گروهى كه بضلالت افتند ميدانم كه رهبر و پيشاهنگشان كه بوده و از غرض اصلى او كاملا باخبرم.

4. امیرالمومنین (ع) در احتجاج با گروهی از مهاجرین و انصار فرمودند: همه آیاتی که خداوند بر پیامبر (ص) نازل کرده است، به املاء پیامبر و خط من نزد من موجود است. تاویل هر آیه ای که خداوند بر پیامبر نازل کرده و هر حلال و حرام یا حد یا حکم و هر چیزی که امت به آنها نیاز دارد حتی حد خراشی که بر کسی وارد شده، همگی به املاء رسول خدا (ص) و خط من نزد من موجود است.[[5]](#footnote-5)

در روایات آمده است که یکی از منابع علم امیرالمومنین (ع) الجامعه بوده است، یعنی همان کتابی به املاء پیامبر و خط امیرالمومنین (ع) نگارش یافته است. این جامعه در روایات به کتاب علی (ع) معروف است.

سوال و جواب

قرآن کریم در آیه «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»[[6]](#footnote-6) بیان می فرماید که پیامبر اکرم (ص) هم مامور تلاوت و هم تبیین و تفسیر قرآن به مردم بودند. در آیه دیگر در همین سوره بیان می کند که در قرآن کریم همه چیز بیان شده است: « وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ‏ء»[[7]](#footnote-7). این دو آیه چگونه با هم سازگار است؟

پاسخ این است که درباره تبیان هر چیز بودن قرآن دو دیدگاه بیان شده است: برخی گفته اند مراد تبیان بودن در مجال هدایت است، زیرا قرآن کتاب هدایت است «هدی للناس». برخی دیگر گفته اند در قرآن همه امور از گذشته و آینده بیان شده است همان گونه در روایات آمده است، ائمه اطهار (ع) فرمودند ما همه چیز را می دانیم و همه آن را از قرآن به دست آورده ایم. «ذلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ، أُخْبِرُكُمْ عَنْهُ؛ إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا مَضى‏ وَ عِلْمَ مَا يَأْتِي إِلى‏ يَوْمِ الْقِيَامَة »[[8]](#footnote-8). مرحوم علامه می فرماید: روایات ما بیان می کند که در قرآن همه چیز است، منتهی تبیان بودن آن به دو گونه است: بیان لفظی که عادی است و تبیان غیر عادی که به صورت رموز است و جز ائمه (ع) آن را نمی دانند. پس قرآن هدایت گر است اما نحوه هدایت آن به صورت کامل نمی دانیم.

پیامبر اکرم (ص) در راستای حفظ قرآن کریم هم دستور به نگارش آن را داده بودند و هم بر آن نظارت می کردند. امیرالمومنین (ع) هم که دارای عصمت بودند جز کاتبان وحی بودند، بنابراین دیگر دلیلی بر نقصان در قرآن وجود ندارد، بله ممکن است گفته شود این کار در آن زمان سخت و دشوار بوده است، اما از بین نرفته است.

نکته دیگر اینکه حافظان قرآن فراوان بودند. از جمله خصوصیات مردم جزیره العرب داشتن حافظه قوی بود. آنان همچنین اشتیاق فراوانی به حفظ قرآن به جهت توصیه های پیامبر (ص) داشتند. آیت الله خوئی در کتاب البیان در این باره عواملی که مشوق و برانگیزنده بود که مسلمانان قرآن را یاد بگیرند و حفظ کنند اینگونه بیان می کند: یکی از این عوامل مساله فصاحت و بلاغت قرآن بود که برای مردم خیلی مورد علاقه بود. دوم توصیه پیامبر اکرم (ص) به حفظ و قرائت قرآن بود. در این باره فرمود: «اشراف امتی حمله القران و اصحاب اللیل»[[9]](#footnote-9) و نیز فرمودند: «حمله القرآن عرفاء اهل الجنه»[[10]](#footnote-10) و فرمودند: «لایعذب الله قلبا وعی القرآن»[[11]](#footnote-11). سوم بالا بودن شان و جایگاه کسانی بود که قاری قرآن بودند. چهارم پاداش های عظیم اخروی است که برای حفظ قرآن در نظر گرفته شده است.

در تاریخ آمده است که حتی زنان نیز به امر حفظ قرآن پرداخته اند. در این باره نام ام ورقه دختر حارث آمده است که از حافظان قرآن بود و در یکی از جنگ ها به شهادت می رسند.[[12]](#footnote-12)

از آنچه بیان شد این نتیجه به دست می آید که در زمان پیامبر اکرم (ص) چیزی از قرآن از دست نرفته است .

سوال و جواب

در روایات آمده است که امیرالمومنین (ع) بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) به جمع آوری قرآن مشغول شدند به گونه ای که خود فرمودند: ما عبا به جز نماز بر دوش نمی گذارم تا قرآن را جمع کنم. در تاریخ آمده است که وقتی حضرت قرآن را تدوین کردند از ایشان قبول نکردند و ایشان آن را برگرداند. این مساله چگونه است؟

پاسخ این است که قرآن آن حضرت با قرآن موجود از جهت محتوای آیات و سوره ها تفاوتی نداشت منتهی دو فرق داشته است: اول اینکه طبق روایت، قرآن ایشان بر اساس ترتیب نزول جمع آوری شده بود. دوم اینکه تفاسیر و توضیحاتی که پیامبر اکرم (ص) هم فرمودند در آن آمده است. بنابراین این ناقض آن نیست که قرآن موجود ناقص است، تفاوت ترتیبی هم خللی در نقص قرآن ندارد. خود حضرت راهکاری را بیان فرمودند که دست یابی به معارف قرآن را برای ما هموار می کند: یکی استفاده از آیات دیگر برای فهم آیات مورد نظر «ینطق بعضه بعضا» و ثانیا رجوع به اهل بیت (ع).

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. مسیر پیامبر، ص 110- 111 [↑](#footnote-ref-1)
2. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج40، ص 135- 136 ؛ امالی شیخ صدوق، ص 328 [↑](#footnote-ref-2)
3. کمال الدین، شیخ مفید، ج1، ص 284 [↑](#footnote-ref-3)
4. الارشاد، شیخ مفید، ج1، ص 35 ؛ بحارالانوار، ج40، ص 144 [↑](#footnote-ref-4)
5. تفسیر البرهان، ص 27 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نحل، آیه 44 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره نحل، آیه 89 [↑](#footnote-ref-7)
8. کافی، شیخ کلینی، ج1، ص 155 [↑](#footnote-ref-8)
9. بحارالانوار، ج92، ص 177 [↑](#footnote-ref-9)
10. بحارالانوار، ج92، ص 177 به نقل از خصال شیخ صدوق [↑](#footnote-ref-10)
11. بحارالانوار، ج92، ص 178 از امالی شیخ طوسی [↑](#footnote-ref-11)
12. الاتقان، سیوطی، ج1، ص 122 [↑](#footnote-ref-12)